

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

استان

د کتر سبحانی در جلسه کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی

جنگ اقتصادی دنیا، جنگ فولاد است

اصفهان -رأی جلسه کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی مجلس شورای اسلامی به فولاد اختصاص داشت. این جلسه با حضور نمایندگان مجلس، مدیران کارخانه های بزرگ فولاد، انجمن فولاد، ایمیدرو، بورس کالا و سندسبکای لوله و پروفیل و نیز معاون معدن و صنایع معدنی وزارت صمت برگزار شد. به گزارش خبرنگار ما از اصفهان، دکتر بهرام سبحانی با اشاره به شرایط حاکم بر صنعت فولاد در سطح جهانی گفت: جنگ دنیا، جنگ فولاد است و سلاح دفاعی کشورها در این جنگ، تعرفه است که در ایران در حداقل ممکن قرار دارد. وی ادامه داد: قیمت‌های داخلی در همه جای دنیا بالاتر از قیمت‌های جهانی است، اما در ایران برعکس است. اخیر به جای توسعه صادرات و ارزآوری فولاد در شرایط تحریم، منجر به محدودیت صادرات فولاد می‌شود. وی همچنین گفت: اینکه سهمیه ای برای عرضه داخلی فولادسازان تعیین شود و اسام آن را «تعهد» بگذارند و صادرات را هم منوط به انجام این عرضه ها کنند با هیچ اصل اقتصادی سازگار نیست. وی در ادامه تأکید کرد: فولاد مبارکه کل تولید خود را در تالار اصلی بورس یا به صورت میچنگ عرضه میکند و به واسطه نمی فروشد. سبحانی ادامه داد: عرضه ورق فولاد مبارکه در بهار ۹۷ در بورس کالا ۲۳ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد داشت.

حمیدرضا فولادگر ، در خصوص نشست کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی با حضور فعالان بخش فولاد، اظهار داشت: در این نشست، دلیل افزایش قیمت پنبگیری شد و تولیدکنندگان فولاد مطالبی را ارائه کردند. وی با بیان اینکه تولیدکنندگان داخلی میتوانند علاوه بر تأمین نیاز بازار داخلی، صادرات نیز داشته باشند، تصریح کرد: در حال حاضر سیاست جدید ارزی ابلاغ شده و باید صادر کنندگان و واردکنندگان به نرخ توافقی ارز دست پیدا کنند و مینا دیگر ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی نیست. فولادگر با بیسای اینکه رصد موجودی انبار خریداران محصولات فولادی آغاز شده و باید پدید داشته باشد تا احتکار صورت نگیرد، گفت: از سامانه های پهن یاب یا سامانه های ارزش افزوده استفاده کنند تا تقاضای واقعی تولید کنندگان رصد شود و تقاضای کاذب نداشته باشیم؛ زیرا احتمال دارد وی با اشاره به اینکه بورس کالا باید متنوعیت بازرش محصولات خریداری شده در بورس را اعمال کند، اضافه کرد: در بحث تحریم ها باید به دنبال حل مشکلات احتمالی حمل و نقل دریایی، بیمه و صادرات شرکت ها باشیم.

استان

سرپرست جمعیت هلال احمر گلستان خبر داد:

دکتر هروی: بیش از ۱۳۰۰ نفر در سیستان و بلوچستان از خدمات کاروان سلامت هلال احمر گلستان بهره بردند.

دکتر محمدعلی هروی که برای بررسی و ارائه خدمت در کاروان سلامت جمعیت هلال احمر گلستان به مناطق متأثر از خشک سالی شده سیستان و بلوچستان در دهستان بزی منطقه نیمروز حضور پیدا کرد، اظهار نمود: در دو روز ابتدای حضور کاروان سلامت جمعیت هلال احمر گلستان در این مناطق بیش از یک هزار و ۳۰۰ نفر از مردم منطقه از خدمات دارویی و درمانی کاروان سلامت جمعیت هلال احمر گلستان بهره بردند.

محمدعلی شربتدار، گلستان | به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر گلستان، وی با تشریح این خدمات و عملکرد تیم درمان گفت: طی این دو روز ۷۶ نفر از خدمات مربوط به تخصص پوست، ۱۱۸ نفر از خدمات تخصص اعصاب و روان، ۲۴۵ نفر از خدمات تخصص داخلی، ۹۳ نفر از خدمات تخصص اطفال، ۱۳۲ نفر از خدمات تخصص زنان، ۱۶۶ نفر از خدمات پزشکی عمومی، ۷۱ نفر از خدمات امام، ۲۴ نفر از تزیققات، ۱۸۴ نفر از خدمات دندانپزشکی و ۱۲۷ نفر از حمایت روانی بهره مند شدند. دکتر هروی ادامه داد: ۹۰ مورد آموزش به کودکان، ۱۷۰ مورد آموزش کمک های اولیه و ۱۳۶ مورد آموزش بهداشت محیط از جمله دیگر خدماتی است که به مردم این روستا ارائه شده است.

وی افزود: در حال حاضر تیم کاروان سلامت گلستان متشکل از ۸ پزشک متخصص و فوق تخصص به عنوان تیم درمانی در شهرستان نیمروز استان سیستان و بلوچستان حضور دارد. سرپرست جمعیت هلال احمر گلستان گفت: ۲۱ نفر از عناصر پشتیبانی از بخش های مختلف جمعیت هلال احمر مانند سازمان جوانان، داوطلبان، امداد و نجات و ... در قالب یک تیم کامل کاری به منطقه نیمروز اعزام شدند تا در ۱۰ روستای این شهرستان به ارائه خدمات امداد و نجات، درمانی و بهداشتی بپردازند. لازم به ذکر است طی بازدید وی که رئیس جمعیت هلال احمر کشور یک ماه اخیر از استان سیستان و بلوچستان داشتند و با توجه به خشکسالی بسیار شدید در این استان، به منظور ارتقای سطح سلامت جامعه روستایی و شهری سیستان و بلوچستان قرار بر این شد تا ۱۹ استان در ۱۹ شهرستان این استان بسیج شوند و به مدت یک هفته خدمات امدادی، آموزشی، درمانی و ... به مردم دچار خشکسالی شده منطقه ارائه دهند.

در همین راستا کاروان سلامت گلستان متشکل از هشت پزشک متخصص و فوق تخصص و پارگیری ۱۳ تن مواد غذایی به شهرستان نیمروز اعزام شد.

گفت و گو با مدیر خانه سالمندانی که دو پیرمرد گمشده را به خانواده‌هایشان رساند

معماری که در اسکلت هفت پاپ مهر بانی گیر کرد



این شغل فکر نکرده بودم، رشته تحصیلی ام معماری بود، فوق لیسانس معماری دارم، تازه کارم را شروع کرده بودم، کارهای ساختمانی می کردم تا اینکه برای مرمت ساختمان این مرکز در زنجان به آنجا رفتم. در مدت تعمیر و مرمت ساختمان که اوضاع خوبی نداشت، بشدت به زنان و مردان سالمند وابسته شدم. دیگر نتوانستم از آنها جدا شوم، ماندگار شدم و از آنجا که تیم مدیریت آنجا هم عوض شده بود، من داوطلبانه به عنوان مدیر مرکز کارم را شروع کردم و از آن زمان تا الان با عشق کار می کنم.

پیرمرد گمشده را چطور پیدا کردید؟

فتح الله حسینی با حکم دادستانی وارد مرکز ما شد. در زنجان سرگردان شده بود و او را پیدا کردند. ناشنوا بود و حتی زبان اشاره هم بلد نبود. سواد هم نداشت. نمی توانست نشانه‌ای از خانواده‌اش به ما بدهد. از همان روز اولی که وارد مرکز ما شد، من شخصا تا لاشم را شروع کردم. می خواستم هر طور شده خانواده‌اش را پیدا کنم، چون مشخص بود که گم شده است و دلش می خواهد هر چه زودتر خانواده‌اش را پیدا کند.

برای پیداشدن خانواده‌اش چکار کردید؟

اول جست و جوها را در زنجان آغاز کردم. با تلاش و همکاری دوستانم و مدیر کانال تلگرامی گمشدگان، متوجه شدیم که این پیرمرد اصلا اهل زنجان نیست و هیچ کس را در اینجا ندارد. تنها چیزی که از او متوجه شدیم، همین مسأله بود. حتی نمی دانستم در کدام شهر است. بعد از آن

بامداد دوشنبه جسد مردی سی و چندساله بر روی ریل های مترو اصفهان توسط تیم کنترل خط مترو رویت شد. آخرین خودکشی روی این پل دو مرداد بود. در یک سال گذشته این چندمین خودکشی از روی این پل (چمران) است. خبرسازترین خودکشی هم مربوط به ۲ دختر نوجوان در آبان ۹۶ بود که فیلم منتشر کرده بودند.

کرده بودند و یکی از دخترانش هم نامزد داشت. پرسش هم مجرد بود. وقتی با آنها صحبت کردم، می گفتند در این مدت هر چه تلاش کرده بودند که پدرشان را پیدا کنند، بی فایده بوده است. در سلطان آباد زندگی می کردند. گویا فتح الله برای خرید نان از خانه خارج شده بود و حتی برای کشیدن قلیان به آزادی هم رفته بود ولی از آنجا گویا سوار اتوبوس شده و سر از زنجان در آورده است.

در مدت فعالیتت که می کنی، مورد مشایهی هم داشتید؟ بله؛ دو سال پیش بود که یک پیرمرد ناشنوایی که گمشده بود را به خانواده‌اش رساندم. آن خاطره هیچ وقت از یادم نمی رود و همیشه برایم شیرین است. آن زمان هم پیرمردی ناشنوا از خانه‌شان خارج شده و او هم سر از زنجان در آورده بود. وقتی به مرکز ما آمد، خیلی سعی کرد که با ما همکاری کند. توانست اسمش را بگوید. وقتی نقشه را نشانش دادم، به قلعه رودخان که رسیدیم، سر تکان داد. من هم تصور کردم که محل زندگی اش در قلعه رودخان است. می خواستم برای جست و جو به آنجا بروم. زمستان بود و برف سنگینی در زنجان بارید. من به همراه این سالمندان به حیاط آمدیم و همه با هم آدم برفی بزرگی درست کردیم و بعد هم عکس یادگاری گرفتیم. همان زمان مسابقه‌ای از تلویزیون پخش شد و گفتند که عکس پدر و مادر و یا پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایتان را بر ایمان بفرستید. من هم چون این زنان و مردان را از خانواده خودم می دانم، همان عکسی که در کنار آدم برفی گرفته بودیم را برایشان فرستادم. این عکس در آن مسابقه نشان داده شد. از همان طریق بود که خانواده حسن با شبکه تلویزیونی تماس گرفته و سراغ پدرشان را گرفته بودند. آنها هم با من تماس گرفتند و وقتی پدرشان را شناختند، ساعت ۴ صبح خودشان را به زنجان رساندند. محل زندگیشان در قلعه الموت فزین بود، قلعه رودخان خیلی خوشحال شدم و آن زمان حس بسیار خوبی داشتم؛ هنوز هم که هنوز به با حسن و خانواده‌اش در ارتباط هستم.

در آن مرکز برای سالمندان چه کارهای دیگری می کنید؟ در این سه سال هر کاری کردم تا روحیه آنها شاد باشد. بعضی از آنها هستند که مجهول الهویه اند و وقتی خانواده‌شان را پیدا می کنم، آنها قیولشان نمی کنند.

بیشتر آنها افسرده هستند، ولی من تمام تلاشم را می کنم. کلاس های نقاشی، سفالگری و قلمه زنی برگزار می کنم. آنها باغبانی می کنند. خلاصه هر کاری که دوست داشته باشند، انجام می دهند تا حالشان خوب باشد.



النا امین بعد از پیداشدن خانواده پیرمرد سالخورده در بیج اینستاگرامش چنین نوشت: دیروز ساعت سه بعد از ظهر شماره ناشناسی بهم زنگ زد و گفت این آقای که عکس و گذاشتید پدر همسایه ما هستند، اسمش فتح الله هست. تو این مدت که آدم های مختلفی زنگ زده بودند، از شون خواستم عکس و تصویر شناسنامه رو برام ارسال کنند، تا تطبیق کنم که ابشون هست. با کلی پرس و جو، گفت و گو و کلی تماس های تلفنی بله متوجه شدیم که بالاخره بعد ۹ ماه پدر بزرگمون صاحب خانواده شد. خودمون انقدر ذوق زده بودیم که نگو و نپرس. ولی هیجانش و شادیش به همه چی می آریزد. امروز صبح با عجله رفتم سالمندان همه آماده بودیم. تا لحظه دیدار برسه. بالاخره آمدن و وای گریه و خنده همه قاطی هم شده بود. چقدر خوشحال بودیم. پدر بزرگ ها همکارا همه از گریه چشم اشون قرمز شده بود. خیلی خوب بود. خیلی ولی الان جمله هارو پیدا نمی کنم که چی بگم. کلمات و فراموش کردم. ولی خداروشکر که رفت. خداروشکر که پیش خانوادش رفت. خداروشکر. خدایاشکر.



سقوط تخته سنگ ۳ تنی روی یک مرد در معدن سنگ اصفهان

سقوط تخته سنگی در اصفهان جان مرد ۳۰ ساله را گرفت. ساعت ۱۴: ۱۵، روز ۲۱ مرداد ماه، مردی بر اثر گیر کردن زیر سنگی ۳ تنی، جان خود را از دست داد. مصدوم مردی ۳۰ ساله و راننده لودر معدن سنگ بود، این حادثه در معدن سنگ در ۳۰ کیلومتری زفره به سمت سجزی رخ داد. شکم و اندام تحتانی مصدوم به طور کامل زیر سنگ بوده و در زمان رسیدن پرسنل اورژانس کاملا هوشیار و پاسخگو بوده است، اقدامات درمانی از جمله سرمه درمانی و اکسیژن درمانی برای وی آغاز و همچنین سر و گردن مصدوم حفظ شده بود. پس از جابه‌جا کردن سنگ، مصدوم به علت از دست دادن ناگهانی خون و مایعات بدن دچار ایست قلبی تنفسی شد، عملیات احیا به مدت ۳۰ دقیقه توسط پرسنل اورژانس انجام گرفت ولی موفقیت آمیز نبود و در آسپد دیده فوت کرد.

انتقام پسر دایی از املاکی متجاوز

مورد ضرب و شتم قرار گرفتن که با من قرار گذاشته بود. پس از اظهارات شاکي، تیمی از ماموران آگاهی برای بازداشت متهم دست به کار شده و وی را بازداشت کردند. شاهین متهم پرونده پس از انتقال به دادسرا ادعای شاکي را رد کرد و گفت: شاکي با دختر عمه‌ام دوست و حتی از وی خوستگاری کرده بود، چند روز قبل از حادثه دختر عمه‌ام در حالی که مضطرب و پریشان بود، با من تماس گرفت و تقاضای کمک کرد. من به سرعت نزد وی رفتم که دختر عمه‌ام گفت توسط سهراب (شاکي) و دوستش مورد آذیت و آزار قرار گرفته است. دختر عمه‌ام گفت سهراب با وی تماس گرفته و گفته برای صحبت با هم قرار ملاقات بگذارند، اما در نهایت سهراب دختر عمه‌ام را

